

جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی؛ تلاقی ایدئولوژیک، تقابل استراتژیک

جهانبخش ایزدی^۱

حمیدرضا اکبری^۲

چکیده

ممکن است در برخی محافل دانشگاهی، پژوهشی و یا تحلیلی این تصور بر مبنای یک رویکرد شکل بگیرد که به علت توالی زمان و سپری شدن ایام و یا به دلایل راهبردی نظیر شرایط کنونی مقابله برخی از دولت‌های عربی با جمهوری اسلامی ایران در مسائل منطقه‌ای و غیره، نظام اسلامی ایران به جای تقابل با موجودیت رژیم صهیونیستی به تعامل با آن پیش برود. از این رو پرسش مقاله معطوف به این مقوله است که آیا امکان چنین مصالحه‌ای یا مشروعیت دهی میان جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی متصور است؟ فرضیه مقاله از اساس نافی این تصورات است، زیرا ماهیت اسلامی نظام برآمده از انقلاب اسلامی و محاسبات و معادلات راهبردی مترتب بر آن، تردیدی باقی نمی‌گذارد که رژیم جعلی صهیونیستی هیچ گونه تعلق به تاریخ و تمدن و فرهنگ این منطقه ندارد و موجودیت آن غیر قابل شناسایی و مشروعیت دهی است. روندهای طی شده در چهار دهه عمر انقلاب اسلامی نیز با احتساب هزینه‌های مضاعف این تقابل، مفید و مستفید همین معناست.

واژگان کلیدی: جمهوری اسلامی ایران، رژیم صهیونیستی، هویت، ایدئولوژی، استراتژی.

۱- دکترای روابط بین‌الملل، عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.

۲- دکترای روابط بین‌الملل و پژوهشگر مسایل بین‌المللی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. رایانامه: akbari.ir2012@gmail.com

۱- مقدمه

نفی موجودیت رژیم صهیونیستی به مثابه یک واحد سیاسی، از مبانی هویتی و از اصول مسلم حاکم بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است. بر این اساس از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، نابودی رژیم صهیونیستی و تشکیل یک دولت فلسطینی در کل سرزمین‌های اشغالی از بحر تا نهر از عمده‌ترین سیاست‌های اصولی جمهوری اسلامی ایران بوده است. در تاریخ ۳۰ بهمن ماه ۱۳۵۷، وزارت امور خارجه ایران با صدور اطلاعیه‌ای اعلام کرد از این پس ایران انقلابی هیچ گونه رابطه‌ای با رژیم صهیونیستی نخواهد داشت و با اخراج ۳۲ تن از کارکنان آژانس یهودی هواپیمای ال عال و دیگر کارکنان رژیم صهیونیستی از ایران، متقابلاً به کلیه کارمندان ایرانی نمایندگی نظام سابق شاهنشاهی در رژیم صهیونیستی دستور داده شد در اولین فرصت به کشور بازگردند. در اطلاعیه وزارت خارجه ایران آمده است: «با الهام از انقلاب راستین مردم ایران چون قطع هر نوع رابطه و همکاری با رژیم صهیونیستی و حمایت از خلق فلسطین، یکی از اصول اساسی سیاست خارجی حکومت موقت انقلاب ایران است به منظور پایان دادن به روابط آشکار و پنهان رژیم سابق این تصمیم گرفته شده است.» (aftabir.com) همچنین آزادی قدس شریف شعار محوری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران شد. قطع رابطه ایران با رژیم صهیونیستی بلافاصله پس از پیروزی انقلاب اسلامی، بازگشایی سفارت فلسطین در ایران، انتقاد شدید نسبت به قرارداد صلح کمپ دیوید میان مصر و رژیم صهیونیستی مآلاً و قطع رابطه دیپلماتیک با مصر، مخالفت با هرگونه سازش میان اعراب و اسرائیل و درخواست نابودی رژیم صهیونیستی، همگی نشان‌دهنده سیاست جمهوری اسلامی ایران در مقابل این رژیم است (حاجی یوسفی، ۱۳۸۲: ۱۶۱). در این میان، پرسش اصلی مقاله این است که امکان هر گونه مصالحه یا مشروعیت دهی میان جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی تا چه حد متصور است؟ اهمیت موضوع به این جهت است که برخی از صاحب‌نظران به تحولاتی که منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا از سال ۲۰۱۱ شاهد آن^۱ بوده، معتقدند به دلیل افزایش تنش و خصومت میان برخی کشورهای عربی و جمهوری اسلامی

ایران، امکان کاهش تاکتیکی یا راهبردی تقابل میان جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی وجود دارد. در حالی که با در نظر گرفتن سوابق تاریخی، بنیان‌های هویتی، تعارضات ژئوپلیتیک و سیاست‌های راهبردی جمهوری اسلامی ایران در قبال رژیم صهیونیستی، می‌توان گفت هیچ نوع مصالحه یا مشروعیت دهی به رژیم صهیونیستی به عنوان یک واحد سیاسی (دولت-ملت) از سوی جمهوری اسلامی ایران متصور نیست و این همان فرضیه یا فرض متصور در واکنش به سؤال فوق‌الذکر می‌باشد. مقاله با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، ضمن بررسی چگونگی مواجهه چهار دهه‌ای جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی، دلایل ایدئولوژیکی و استراتژیکی تقابل میان جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد.

۲- تحلیل وضعیت مشروعیت زدایی از رژیم صهیونیستی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی ایران هم به دلایل ایدئولوژیک و هم عوامل استراتژیک، نمی‌توانست رژیم صهیونیستی را به رسمیت بشناسد. البته این مسأله طبیعی است، زیرا پدیده انقلاب (در هر کشوری که رخ دهد) با موجودیت رژیم‌هایی همچون رژیم صهیونیستی مخالف است و انقلاب‌ها معمولاً نمی‌توانند ذاتاً چنین رژیمی را بپذیرند و با آن سر‌آشتی ندارند. در مورد ایران باید توجه داشت که اسلامی بودن این انقلاب نیز مزید بر علت شده است و قواعدی همچون جعل سبیل، غصب سرزمین و... بر اساس ارزش‌های اسلامی، دشمنی جمهوری اسلامی ایران با رژیم صهیونیستی را توجیه‌پذیر می‌سازد. از این رو موجودیت چنین رژیمی نمی‌تواند مورد قبول انقلابی با ایدئولوژی اسلامی باشد. علاوه بر بعد ایدئولوژیک (غصب سرزمین‌های اسلامی)، از بعد استراتژیک نیز ماهیت توسعه طلبی و بحران‌زایی رژیم صهیونیستی که بقاء آن را تضمین می‌کند نیز موجبات دشمنی انقلاب اسلامی با این رژیم را فراهم ساخته است.

مع‌الوصف بسیاری از صاحب‌نظران، مهم‌ترین دلیل به رسمیت نشناختن رژیم صهیونیستی

توسط جمهوری اسلامی ایران را دلایل ایدئولوژیک می‌دانند. یعنی، چنین استدلال می‌شود که رژیم صهیونیستی آشکارا غاصب سرزمین فلسطین بوده و از هیچ گونه مشروعیتی برخوردار نیست. رژیم صهیونیستی با هر ابزاری و تحت هر شرایطی به اشغال سرزمین‌های فلسطینی پرداخته و با کمک قدرت‌ای مؤثر بین‌المللی به تأسیس دولت رژیم صهیونیستی مبادرت ورزید. از زمان تأسیس این رژیم تاکنون نیز، حقوق فلسطینی‌ها به انحاء مختلف نادیده انگاشته شده است. رژیم صهیونیستی بالاترین میزان نقض حقوق بین‌الملل در عرصه روابط بین‌الملل را داشته است. هزاران کتاب و مقاله و صدها کنفرانس و سمینار در مورد نقض حقوق بشر توسط اسرائیلی‌ها به نگارش درآمده که البته جای باز تولید آنها در این نوشته نیست. همه این‌ها موجب می‌شود هر انسانی یا هر نظام دموکراتیک و مردمی (فارغ از مذهب، نژاد یا قومیت خاص)، به محکوم نمودن رژیم صهیونیستی به عنوان رژیم اشغال‌گر و نامشروع اقدام نماید. از این رو، جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک حکومت انقلابی که خود را منادی و حافظ منافع مسلمانان می‌داند، به قطع رابطه با رژیم صهیونیستی اقدام و خواستار نابودی آن گردید. بر این پایه، جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی دارای دو هویت متنافر و ناهمگن بوده و امکان سازش میان آنها به هیچ‌وجه وجود ندارد.

البته برخی با حفظ دلایل ایدئولوژیک بر این باورند در صورتی که جمهوری اسلامی ایران کاری به عدم مشروعیت رژیم صهیونیستی نداشته باشد یا این مسأله را برجسته نسازد، آن رژیم نیز کاری به ایران نخواهد داشت. از حیث ژئوپلتیکی نیز دو کشور از یکدیگر دور بوده و هم‌مرز نیستند، لذا دارای تزاخم جدی منافع نیستند. در نتیجه، تنها راه تأمین امنیت ملی ایران این است که این کشور از مخالفت با مشروعیت رژیم صهیونیستی یا ادعای مربوط به ضرورت نابودی آن دست بردارد. (آجورلو، ۱۳۸۸) بدیهی است بر اساس ماهیت انقلابی جمهوری اسلامی ایران چنین امری امکان‌پذیر نیست. به عبارت دیگر، این دیدگاه بر این فرض قرار دارد که جمهوری اسلامی ایران از ماهیت انقلابی خود تهی شود، زیرا عدم مخالفت با رژیم صهیونیستی (حتی اگر به رسمیت شناختن آن هم منجر نگردد) به معنای کوتاه آمدن از مبانی سیاسی، دینی و انقلابی جمهوری اسلامی ایران

خواهد بود. حامیان این دیدگاه نیز به جای این که به ارائه راه حل بپردازند، به دنبال پاک کردن صورت مسأله هستند.

اما دلیل مهم تر موضع آشتی ناپذیر و نفی طلبانه جمهوری اسلامی ایران نسبت به رژیم صهیونیستی، معطوف به مقاصد و اهداف سیاست خارجی رژیم صهیونیستی می باشد. به این معنا ماهیت و هویت جمهوری اسلامی ایران به گونه ای است که رژیم صهیونیستی در صدد نابودی آن است و مهم ترین تهدید امنیتی برای آن محسوب می گردد. از این رو جمهوری اسلامی ایران باید به مقابله با تهدیدهای رژیم صهیونیستی بپردازد. در واقع، فراتر از تهدید ایدئولوژیک، رژیم صهیونیستی بزرگ ترین تهدید نظامی و راهبردی برای جمهوری اسلامی ایران در منطقه نیز محسوب می شود و این تلقی ای است که رهبران جمهوری اسلامی ایران نسبت به رژیم صهیونیستی دارند (مهرابی رزوه، ۱۳۹۵).

برخی دیگر از کارشناسان و صاحب نظران معتقدند که شعار «از نیل تا فرات» که در کنست رژیم صهیونیستی نقش بسته است، آرمانی مرده است و رژیم صهیونیستی در حال حاضر نه می تواند و نه می خواهد که چنین شعاری را محقق کند زیرا با کشورهای عربی پیمان صلح امضا کرده است. یا به عبارت دیگر «آنچه رژیم صهیونیستی برای گسترش خود از نیل تا فرات بیان می کند یک سیاست آرزومندانه و یک سناریوی مطلوب و موجه برای رژیم حاکم بر تل آویو بوده که الزامات ابزاری و استراتژیک آن هیچ گاه فراهم نبوده است. اکنون بیش از هر زمان دیگر این الزامات ابزاری و استراتژیک برای آنها محدود است.» (مطهرنیا، ۱۳۹۴) اما واقعیت این است اگر به ماهیت توسعه طلبانه و بحران ساز این رژیم و تفکرات آن توجه شود درمی یابیم که آرمان این رژیم، آرمانی نیست که به آسانی بمیرد و از تفکرات این رژیم کنار گذاشته شود بلکه منطقی این است که بپذیریم این آرمان دارای فراز و فرود می شود اما از بین نخواهد رفت.

بر این اساس جمهوری اسلامی ایران فقط به عنوان کنش گر ناظری که این رژیم را به رسمیت نمی شناسد مطرح نیست، بلکه کنش گری فعال در تمامی حوزه های مقابله و مواجهه با رژیم صهیونیستی است و حتی رهبری یک جریان تقابلی را بر عهده دارد. بنابراین فراتر از شناسایی یا

عدم شناسایی یک رژیم، هزینه‌های بالای مادی و معنوی فراوانی است که برای این تقابل پرداخته شده است. جمهوری اسلامی ایران در ابتدای انقلاب اگر با رژیم صهیونیستی قطع رابطه دیپلماتیک می‌کند، این وجه سلبی موضوع است، اما بلافاصله آن را به سفارت فلسطین تبدیل می‌کند که وجه ایجابی آن است، روابط اقتصادی خود را با این رژیم قطع می‌کند و دیگر کالاهای رژیم صهیونیستی نمی‌خرد و به آن نفت نمی‌فروشد و به جای آن به فلسطینیان کمک‌های سیاسی، تبلیغاتی، آموزشی، مالی و تسلیحاتی می‌کند، روابط را با مصر به دلیل امضای قرارداد کمپ دیوید قطع می‌کند و سعی در تقویت جبهه پایداری در جهان عرب و جهان اسلام دارد که با طرح‌های سازشکارانه مخالفت می‌ورزد و به تدریج تعریفی از مقابله با رژیم صهیونیستی ارائه می‌دهد که به عنوان «دکترین عمق استراتژیک» شناخته می‌شود. این دکترین دارای ابعاد استراتژیکی است. یعنی نظریه‌های استراتژیک و تقابل‌های ایدئولوژیک هر دو در آن مستتر است. به باور اهل نظر، این دکترین اوج کنش‌گری فعال جمهوری اسلامی ایران در مقابله با رژیم صهیونیستی است.

۳- علل مقابله و کنش‌گری رژیم صهیونیستی علیه جمهوری اسلامی ایران

با هدف درک بهتر علل و عوامل تقابل رژیم صهیونیستی با جمهوری اسلامی ایران لازم است مختصات خاص این رژیم به صورت ذیل مورد بررسی قرار گیرد:

الف- رژیم صهیونیستی یک رژیم چند بعدی است که نمونه آن در دنیا وجود ندارد. این رژیم تنها کشور (جعلی) با شهروندان عمدتاً یهودی در جهان است. بر پایه برآورد سال ۲۰۱۳ سازمان مرکزی آمار آن، این کشور جعلی در حدود ۸ میلیون و ۵۱ هزار نفر جمعیت داشته است که ۶۰۴۵۹۰۰ نفر از آنان را یهودیان عمدتاً مهاجر از اقصی نقاط جهان و ۱۶۶۳۴۰۰ را اعراب اسرائیلی تشکیل داده‌اند. اورشلیم با در نظر گرفتن قدس شرقی پرجمعیت‌ترین شهر آن است و تل‌آویو مرکز مالی این رژیم و محل استقرار سفارتخانه‌های خارجی است. (Israel Central Bureau of Statistics Retrieved, 2009)

ب- رژیم صهیونیستی یک رژیمی است که مسئولیت زرادخانه‌های خود را نمی‌پذیرد، در حالیکه همگان ادعان دارند که این رژیم واجد سلاح هسته‌ای است (www.thenation.com).

ج- رژیم صهیونیستی تنها رژیمی است که برای خود مرز تعریف نکرده است. این رژیم در تمامی مذاکرات خود با فلسطینیان به دنبال صلح بدون سرزمین است.

د- رژیم صهیونیستی تنها رژیمی در منطقه و حتی در سطح جهان است که بحران‌سازی و توسعه‌طلبی را دو عامل بقا و حفظ خود می‌داند.

علاوه بر موارد مذکور که به عنوان مختصات رژیم صهیونیستی بود، نکات مهم دیگری را باید مدنظر قرار داد:

۱- در محافل آکادمیک، مؤسسات پژوهشی و دستگاه‌های تحلیلی، صهیونیسم فقط با رژیم صهیونیستی شناخته می‌شود و حال آن‌که مقوله صهیونیسم فراتر از رژیم صهیونیستی است.

۲- نئوصهیونیسم از صهیونیسم سنتی جنگ‌طلب‌تر است. نئوصهیونیسم معتقد است که رژیم صهیونیستی در حال حاضر دچار بحران هویتی جدیدی شده است. این جریان معترض است که تا چه زمانی می‌بایست در نبرد نامتقارن متحمل شکست شد؟! چرا یهودیان در منطقه نهادینه نمی‌شوند؟! لذا این جریان به صورت مستمر برای نابودی محور مقاومت طرح‌ریزی و برنامه‌ریزی می‌کند. رابطه نئوصهیونیسم با صهیونیسم، شبیه مدرنیسم و پست مدرنیسم است. نئوصهیونیسم به دنبال ترمیم و رفع ضعف‌های صهیونیسم است. در همین راستا، رژیم صهیونیستی بر این باور است که دیگر نمی‌تواند از طریق کلاسیک یا نمادهای نبرد نامتقارن همچون حزب‌الله، حماس و جهاد اسلامی مقابله کند. لذا در وضعیت کنونی به دنبال نوعی سازگاری در منطقه است. بنابراین نئوصهیونیسم یک دوره گذار را تجربه می‌کند. در حال حاضر جریان نئوصهیونیسم، صهیونیسم و صهیونیسم بین‌الملل، تمرکز خود را بر روی روابط بین‌المللی، لابی‌گری قدرتمند در اروپا و آمریکا، رایزنی‌های مستمر با محافل تأثیرگذار بین‌المللی، ایجاد روابط عمیق با قدرت‌های نوظهور همچون گروه بیست، ایجاد تاکتیک‌های جدید در مقابله با ایران و... متمرکز شده و آن را در دستور کار قرار داده است.

۱- برای مطالعه بیشتر ر.ک. ب سایت مرکز اسناد و کتابخانه ملی، اولین دوره جامع دانشکده صهیونیسم پژوهی
<http://www.irdc.ir/fa/content/945/default.aspx>

بر این پایه و با لحاظ مختصات فوق، علل و عوامل تقابل رژیم صهیونیستی با جمهوری اسلامی ایران را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

پیروزی انقلاب اسلامی، از حیث راهبردی و سیاسی، باعث شد تا متحد قدرتمند رژیم صهیونیستی یعنی رژیم شاهنشاهی در مقابل اعراب از دست برود و جمهوری اسلامی ایران رسماً و عملاً موجودیت رژیم صهیونیستی را با چالش مواجه سازد. موضوعی که با معادلات رژیم صهیونیستی برای منطقه غرب آسیا مغایرت داشت؛ این امر، باعث شد که رژیم صهیونیستی به سرعت در مقابل تهدید مزبور موضع واکنشی بگیرد (بی‌نام، ۱۳۶۳: ۳۰۱). از سوی دیگر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال رژیم صهیونیستی، همواره دارای یک ثبات نسبی با محوریت نفی موجودیت آن رژیم بوده است. اما در مقابل، رژیم صهیونیستی در سال‌های اولیه به دنبال آن بود که آیا می‌تواند با انقلاب اسلامی و رژیم جدید ایران کنار بیاید یا نه؟ رژیم صهیونیستی پس از درک این موضوع که انقلاب اسلامی ایران، بر اساس نفی موجودیت رژیم صهیونیستی عمل می‌کند، به دنبال نابودی انقلاب اسلامی ایران با همکاری غرب برآمد. لذا سیاست خارجی رژیم صهیونیستی در قبال جمهوری اسلامی ایران طی سال‌های پس از انقلاب این‌گونه تعریف می‌شود:

یکم): دهه اول انقلاب اسلامی؛ حمایت از تطویل جنگ ایران و عراق: در طول جنگ ایران و عراق اقدامات مستقیم و غیر مستقیم رژیم صهیونیستی به گونه‌ای است که می‌توان آنها را نشان‌دهنده سیاست این رژیم در طولانی شدن جنگ دانست.

از سال ۱۹۴۸، یعنی از زمان جنگ اعراب و رژیم صهیونیستی، تل‌آویو و بغداد در حالت جنگ به سر می‌برند و عراق برخلاف دیگر کشورهای عرب درگیر در آن جنگ، از امضای قرارداد متارکه خودداری کرده بود. به اعتقاد سیاستمداران رژیم صهیونیستی، که رهبری آنها را مناخیم بگین، بر عهده داشت، برنامه هسته‌ای صدام حسین با تولید بمب اتمی ارتباط دارد و چنین سلاحی به رغم جنگ عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، اساساً علیه رژیم صهیونیستی به کار گرفته خواهد شد (www.cfsc.dnd.ca). به همین دلیل به بمباران تأسیسات اتمی عراق اقدام نمود تا ایهام

جانبداری از جمهوری اسلامی را از ایران در جهان عرب ترجمان کند. در عین حال، رسانه‌ها و دستگاه‌های خبری منطقه خاورمیانه مدعی بودند که رژیم صهیونیستی این جنگ را عاملی برای تجزیه توان ایران و عراق می‌داند. آنها برای اثبات این ادعا استدلال می‌کردند که وضعیت ایده آل برای منافع رژیم صهیونیستی در عراق و ایران حالت نه جنگ و نه صلح است؛ زیرا، پیروزی عراق مرکزیت آن کشور را در خلیج فارس تقویت خواهد کرد و احتمالاً، به یکپارچگی سواحل خلیج فارس زیر پرچم عراق در طرح منطقه‌ای مشخص یا عربی منجر خواهد شد، در مورد ایران نیز، پیروزی بر عراق افزون بر نشان دادن تجربه نظامی و شایستگی رزمی نیروهای ارتش این کشور، روحیه آنها را نیز افزایش خواهد داد؛ موضوعی که برای امنیت رژیم صهیونیستی خطرناک است (عزت سامی، ۱۹۹۷). تهاجم ارتش رژیم صهیونیستی به جنوب لبنان، که با فتح خرمشهر از سوی نیروهای ایرانی مقارن بود، باعث شد تا صدام حسین از این فرصت بیشترین استفاده را بکند و پیروزی‌های نظامی ایران را تحت‌الشعاع مبارزه‌طلبی با رژیم صهیونیستی قرار دهد (تراب رزمی، ۱۳۶۸: ۱۸۱).

دوم: دهه دوم انقلاب اسلامی: انزوای منطقه‌ای ایران و حمایت از جبهه سازش در مقابل جبهه مقاومت (به ویژه پس از توافقنامه‌های صلح با طرف‌های عربی): فروپاشی شوروی و پایان نظام بین‌المللی دو قطبی، شرایط جدیدی را در غرب آسیا رقم زد. در محیط جدیدی که از سال ۱۹۹۱ در منطقه غرب آسیا پدید آمد، آغاز مذاکرات صلح از مهم‌ترین پیامدها بود. مذاکرات صلح مادرید نشان داد برقراری صلح با اعراب غیرممکن نیست. از این زمان رژیم صهیونیستی رویکرد جدیدی نسبت به جمهوری اسلامی ایران اتخاذ نمود. جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان مهم‌ترین تهدید برای رژیم صهیونیستی تلقی شده و خصومت با ایران به‌طور آشکار بیان گردید. سیاست خارجی رژیم صهیونیستی در این مقطع بر اساس در انزوا قرار دادن ایران قرار گرفت (حاجی یوسفی، ۱۳۸۲: ۱۵۵).

رژیم صهیونیستی پس از فروپاشی شوروی دریافت که باید به هر شکل ممکن ایران را منزوی گرداند تا بدین شکل بتواند امنیت خود را حفظ کند. امضای قرارداد صلح اسلو با فلسطینی‌ها

در سال ۱۹۹۳ و سپس صلح با اردن در ۱۹۹۴، تلاش رژیم صهیونیستی برای ورود به آسیای مرکزی و قفقاز، آغاز اتحاد میان رژیم صهیونیستی و ترکیه، ورود رژیم صهیونیستی به خلیج فارس به بهانه اجلاس اقتصادی غرب آسیا و همچنین گسترش مناسبات اسراییل با چین و هندوستان، همگی در راستای محاصره ایران صورت می‌گرفت. از سوی دیگر اسراییلی‌ها سعی وافری داشتند تا از هرگونه بهبود روابط ایران و آمریکا جلوگیری به عمل آورده و بر عکس خصومت طرفین را افزایش دهند.

مطابق دیدگاه رژیم صهیونیستی، ایران مهم‌ترین تهدید نسبت به امنیت اسراییل بوده و نگرانی عمده‌ای نسبت به دسترسی ایران به سلاح‌های هسته‌ای، موشک‌های بالستیک و دیگر سلاح‌های کشتار جمعی ابراز می‌دارد. افزون بر این، این دیدگاه بر این باور است که در واقع ایران جنگ با رژیم صهیونیستی را از طریق حزب‌الله لبنان آغاز کرده است. همچنین ایران به عنوان حامی جهاد اسلامی و حماس در سرزمین‌های اشغالی، نگرانی فزاینده‌ای را در تل‌آویو به وجود آورده است. این دیدگاه همچنین ابراز می‌دارد که به سبب این که دیگر عراق نمی‌تواند بازدارنده قدرت ایران باشد، رژیم صهیونیستی باید این نقش را به‌ویژه در راستای منافع آمریکا در خاورمیانه ایفا نماید (متقی، ۱۳۷۶، ص ۸۹).

سوم: دهه سوم انقلاب اسلامی: حمایت از شورش‌ها و ناراضی‌های داخلی ایران: سیاست رژیم صهیونیستی همواره خصومت و دشمنی نسبت به جمهوری اسلامی بوده و در این مسیر از هر بهانه یا ابزاری استفاده کرده است. بزرگنمایی اعتراضات داخلی، سوء استفاده از فضای هرگونه اعتراض داخلی و مدنی، برنامه‌ریزی در خصوص نتیجه دادن تحریم‌های غرب علیه ایران و... از این دست اقدامات اسراییل می‌باشد. در این زمینه دنی آبالون معاون وزیر خارجه اسراییل ضمن حمایت از تشدید تحریم‌ها علیه ایران آن را آغاز موج دیگری از ناآرامی و آشوب در ایران دانسته و افزود: اگر مردم ایران احساس کنند حمایت همه جانبه غرب را دارند ممکن است بار دیگر، همان گونه که در اعتراض به نتایج انتخابات ریاست جمهوری به خیابان آمدند، علیه حکومت بشورند! (www.asriran.com ۱۳۹۰/۱۰/۱۸)

چهارم): دهه چهارم انقلاب اسلامی: کنترل بیداری اسلامی و ایجاد بحران سوریه بر اساس نزاع شیعه و سنی: ابتدا تصور می‌شد با اوج‌گیری موج جدید بیداری اسلامی در خاورمیانه و شمال آفریقا، تهدیدی جدی علیه موجودیت رژیم صهیونیستی در جهان اسلام در حال شکل‌گیری است، اما با انحراف این جریان به خصوص بحران سوریه، ظهور پدیده داعش و نزاع مذهبی، مقامات رژیم صهیونیستی این شرایط را فرصتی برای موجودیت این رژیم تصور کردند. در همین رابطه فرماندهان و مقام‌های سازمان امنیتی رژیم صهیونیستی خشنودی خود را از بی‌ثباتی‌ای که در پی انقلاب‌های عربی در کشورهای عربی به وجود آمده ابراز داشته و اعلام کردند که این مرحله یکی از مهم‌ترین مراحل از لحاظ امنیتی برای اسرائیل محسوب می‌شود. وب‌سایت شبکه خبری الجزیره، به نقل از روزنامه عبری یدیعوت احارونوت در گزارشی (بدون ذکر نام افراد) نوشت: جمعی از افراد واحد عملیات ۵۰۴ سازمان اطلاعات و امنیت رژیم صهیونیستی می‌گویند که عملکرد ما در میان دشمنان مان خوب بوده است. یک ژنرال فلسطینی بازنشسته در این باره می‌گوید: «رژیم صهیونیستی توانسته است به کمک نیروهای امنیتی خود میان رهبران عرب ائتلاف ایجاد کند و تلاش دارد تا از وضعیت پیش آمده در خاورمیانه بهره‌برداری کرده و درگیری‌های مذهبی میان شیعه و سنی را به نفع خود گسترش دهد.» در این گزارش به نقل از معاون رئیس واحد امنیتی سازمان امنیت رژیم صهیونیستی، آمده است که بهار عربی باعث کمک به واحدهای امنیتی ما شده و ما این بی‌ثباتی را می‌پسندیم. ما به این بی‌ثباتی اهمیت بسیاری می‌دهیم و معتقدیم که این وضعیت برای سازمان امنیتی ما بسیار خوب و مفید است. از سوی دیگر آن چه در حال حاضر برای رژیم صهیونیستی بسیار مهم است این است که چگونه تنش و درگیری طایفه‌ای میان شیعه و سنی در منطقه ایجاد و آن را تشدید کنند. وضعیت ناآرام فعلی منطقه بسیار به نفع رژیم صهیونیستی شده است، تل‌آویو همه تلاش خود را می‌کند که از شکاف‌های موجود استفاده کرده و از این فرصت نهایت استفاده را ببرد. رژیم صهیونیستی این وضعیت را به نفع امنیت ملی خود می‌داند.

(www.irdiplomacy.ir)

۴- گفتمان سازی، بستر سازی و محور سازی جمهوری اسلامی ایران

برای شناخت چگونگی گفتمان سازی، بستر سازی و محور سازی جمهوری اسلامی ایران در برابر رژیم صهیونیستی، ضرورت دارد مختصات دکترین عمق استراتژیک جمهوری اسلامی ایران را که بر مبنای آن هم تهدیدات رژیم صهیونیستی مسجل می‌شود و هم ابعاد مقابله با آن مبرهن می‌گردد، به مثابه ابزارهای گفتمان ساز و محورگرایی جمهوری اسلامی ایران به شرح ذیل برشمرده شود.

- دور کردن تهدید از مرزهای رسمی کشور.
- تقابل با دشمن در کنار مرزهای دشمن.
- بهره‌گیری از ظرفیت‌های مادی و معنوی کشور در منطقه.
- مقابله با حضور و نفوذ رژیم صهیونیستی در محیط پیرامونی.
- بی‌اثر ساختن ماشین جنگی و زرادخانه‌های نظامی رژیم صهیونیستی بر پایه نبرد نامتقارن.
- الهام بخشی به ملت‌های مسلمان منطقه برای مقابله مستمر با مولود نامشروع غرب در منطقه.

- دفاع معنادار و معطوف به هدف از منافع مشروع خود.
 - دفاع از مظلومیت ملت فلسطین به مثابه نماد اشغال‌گری در منطقه
- با پیروزی انقلاب اسلامی، به تدریج گفتمان مقاومت و نابودی رژیم صهیونیستی در مقابل گفتمان‌های سازش و مشروعیت دهی به آن رژیم شکل گرفت و گسترش یافت. به گونه‌ای که جمهوری اسلامی ایران با بهره‌گیری از این گفتمان‌ها و بستر سازی لازم، توانست محورهای جدیدی در منطقه غرب آسیا در مقابل رژیم صهیونیستی و برخی کشورهای سازش کار عربی ایجاد کند. در این راستا سیاست جمهوری اسلامی ایران در قبال رژیم صهیونیستی به سه مرحله تقسیم می‌شود. البته ملاک در تقسیم‌بندی مراحل سه گانه در این نوشتار، تقدم زمانی نیست، چه بسا که بعضی از این مراحل در یک زمان متداخل باشند. بر این اساس ملاک مرحله بندی تقدم ذاتی و رتبه‌ای است.

۱-۴ **گفتمان سازی:** این مرحله قبل از انقلاب اسلامی و از سال ۱۳۴۲ شمسی با گفتمان سازی امام خمینی(ره) با مباحثی همچون استکبار ستیزی، اسراییل ستیزی و صهیونیسم ستیزی پدید آمد. ایشان امکان هرگونه تلاش برای نزدیکی و سازش و مصالحه با استکبار را نفی می کرد و آن را نافی عزت مسلمین می دانست. ایشان مبتنی بر آیات و روایات متعددی که در نفی پذیرش ولایت کفار و مستکبران آمده، آنهایی را که به دنبال مذاکره و کنار آمدن با دشمنان خدا هستند را به عنوان خائن معرفی می کند و می گوید: «کسی تصور نکند که ما راه سازش با جهان خواران را نمی دانیم. ولی هیبت که خادمان اسلام به ملت خود خیانت کنند!... اگر بند بند استخوان هایمان را جدا سازند، اگر سرمان را بالای دار برند، اگر زنده زنده در شعله های آتشیان بسوزانند، اگر زن و فرزندان و هستی مان را در جلوی دیدگانمان به اسارت و غارت برند هرگز امان نامه کفر و شرک را امضا نمی کنیم.» (صحیفه امام، ج ۲۱، ص: ۹۸) ایشان معتقد بودند: «سلامت و صلح جهان بسته به انقراض مستکبرین است؛ و تا این سلطه طلبان بی فرهنگ در زمین هستند، مستضعفین به ارث خود که خدای تعالی به آنها عنایت فرموده است نمی رسند.» (صحیفه نور، ج ۱۲، ص: ۱۴۴). گفتمان استکبار ستیزی امام خمینی(ره) را قبل و بعد از انقلاب اسلامی همواره در کنار ظلم ستیزی، حمایت از مظلوم و در نهایت نفی موجودیت رژیم صهیونیستی می توان به شرح زیر بیان کرد:

لزوم براندازی و محو اسراییل: «قبلا هم تذکر داده ام که دولت غاصب اسراییل با هدف هایی که دارد برای اسلام و ممالک مسلمین خطر عظیم دارد و خوف آن است که اگر مسلمین به آنها مهلت دهند، فرصت از دست برود و جلوگیری از آنها امکان پذیر نشود و چون احتمال خطر متوجه به اساس اسلام است لازم است بر دول اسلامی و سایر مسلمین عموماً که رفع این ماده فساد را به هر نحو که امکان دارد بنمایند و از کمک به مدافعین کوتاهی نکنند و جایز است از محل زکوات و سایر صدقات در این امر مهم حیاتی صرف نمایند.» (صحیفه نور، ج ۱، ص: ۴۷/۶/۴، صص ۱۴۴-۴۵)

خطر اسراییل برای کل جهان اسلام: «سران کشورهای اسلامی باید توجه داشته باشند که این جرثومه فساد را که در قلب کشورهای اسلامی گماشته اند تنها برای سرکوبی ملت عرب نمی باشد بلکه خطر و ضرر آن متوجه همه خاورمیانه است. نقشه استیلا و سیطره صهیونیسم بر

دنیای اسلام و استعمار بیشتر سرزمین‌های زرخیز و منابع سرشار کشورهای اسلامی می‌باشد و فقط با فداکاری، پایداری و اتحاد دولت‌های اسلامی می‌توان از شر این کابوس سیاه استعمار رهایی یافت و اگر دولتی در این امر حیاتی که برای اسلام پیش آمده کوتاهی کرد بر دیگر دولت‌های اسلامی لازم است که با توییح و تهدید و قطع روابط او را وادار به همراهی کنند. دولت‌های ممالک نفت خیز اسلامی لازم است از نفت و دیگر امکاناتی که در اختیار دارند به عنوان حربه علیه اسرائیل و استعمارگران استفاده کرده از فروش نفت به آن دولت‌هایی که به اسرائیل کمک می‌کنند خودداری ورزند (صحیفه نور، ج ۱، ص ۹/۲، ۵۲/۸/۱۶).

لزوم مبارزه با فلسفه وجودی اسرائیل: «آنچه که موجب تأسف بسیار است که ابر قدرت‌ها به ویژه آمریکا با فریب صدام با هجوم به کشور ما، دولت مقتدر ایران را سرگرم دفاع از کشور خود نمود تا مجال به اسرائیل غاصب تبهکار دهد تا به نقشه شوم خود که تشکیل اسرائیل بزرگ که از نیل تا فرات است اقدام نماید.» (صحیفه نور، ج ۱۸، ۶۲/۲/۳۱) «من نزدیک به بیست سال است خطر صهیونیسم بین‌الملل را گوشزد نموده‌ام و امروز خطر آن را برای تمامی انقلابات آزادیبخش جهان و انقلاب اخیر اسلامی ایران نه تنها کمتر از گذشته نمی‌دانم که امروز این زالوهای جهان‌خوار با فنون مختلف برای شکست مستضعفان جهان قیام و اقدام نموده‌اند. ملت ما و ملل آزاد جهان باید در مقابل این دسیسه‌های خطرناک با شجاعت و آگاهی ایستادگی نمایند.» (صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۶۳، ۵۹/۱۱/۲۲).

رهبر انقلاب اسلامی نیز همواره در حفظ و گسترش این گفتمان سعی بلیغی داشته‌اند. مواضع و بیانات ایشان در این رابطه کاملاً گویاست:

- «حمایت از فلسطین، انتفاضه و مبارزه با صهیونیسم و حامیانش از ارکان اصلی سیاست‌های راهبردی جمهوری اسلامی ایران است.» (khamenei.ir/speech ۱۳۸۰/۰۲/۰۴)

- «نجات فلسطین و محو دولت غاصب صهیونیستی، مسأله‌ای است که با مصالح ملت‌های این منطقه سرو کار دارد. کسانی که از روز اول انقلاب، یکی از برنامه‌ها را مقابله و معارضه با نفوذ و اقتدار صهیونیست‌ها قرار دادند، با محاسبه این کار را کردند. این برنامه، طبق مصالح کشور و

مصالح عمومی جمهوری اسلامی و مردم ایران انتخاب شده است.» (۱۳۷۹/۰۹/۲۵) khamenei.ir/speech.

- «نباید شک کرد که شجره خبیثه اسرائیل که - اجتثت من فوق الارض ما لها من قرار - هیچ پایه و پایگاه و استمراری نخواهد داشت و بی شک نابود خواهد شد.» (۱۳۷۰/۰۸/۱۵) khamenei.ir/speech.

- «اسرائیل ثابت کرده است که جز زبان زور، چیز دیگری نمی فهمد. با او جز با زبان قدرت یک ملت و قدرت یک امت اسلامی در سراسر عالم، نمی شود حرف زد.» (۱۳۷۰/۰۷/۲۷) khamenei.ir/speech.

۲-۴ بسترسازی: این مرحله با ایجاد زمینه‌هایی از سوی جمهوری اسلامی ایران مانند تشکیل حزب الله لبنان و مقاومت اسلامی برای مقابله با رژیم صهیونیستی دنبال می‌شود. حزب الله لبنان توانست با بومی‌سازی انقلاب اسلامی به جریانی قوی و تاثیر گذار در صحنه روپارویی با رژیم صهیونیستی تبدیل شود. پس از راه‌اندازی دوره‌های آموزش نظامی در بقاع توسط سپاه پاسداران به تدریج هسته‌های مقاومت تشکیل شده و ابتدا به بیروت که در محاصره بود، اعزام شدند. بدین ترتیب، تشکیلاتی برای هدایت عملیات در بیروت تاسیس شد که با رهبران مقاومت در بقاع ارتباط مخفیانه داشت. هسته‌های خودجوش مقاومت که در جنوب لبنان و حومه جنوب بیروت شکل گرفته بود عمدتاً از افراد مذهبی که تجربه فعالیت نظامی در جنبش امل و یا در گروه‌های فلسطینی داشتند، بر خوردار بود. هسته‌های اعزامی از بقاع به این هسته‌های خودجوش وصل گردیدند. به دنبال آن حزب الله اولین بار به طور رسمی بیانیه‌ای نظامی در ۶ ژانویه ۱۹۸۴ با امضای «مقاومت اسلامی» منتشر کرد و پس از آن با کمک جمهوری اسلامی ایران و تقویت جبهه مقاومت توانست در سال ۲۰۰۰ جنوب لبنان را آزاد کند (www.iribnews.ir). همچنین بستر سازی جمهوری اسلامی ایران برای شکل‌گیری گروه‌های مقاومت فلسطینی مانند جهاد اسلامی و حماس و روپارویی آنان با رژیم صهیونیستی در این چهارچوب قابل ارزیابی است.

۳-۴ محورسازی؛ از جبهه پایداری تا جبهه مقاومت:

به موازات فرآیندهای طی شده و روندهای شکل گرفته، محور مقاومت بروز و ظهور خاصی پیدا می‌کند. البته محور مقاومت با جبهه پایداری پیش گفته، متفاوت است. جبهه پایداری متشکل از کشورهای عربی چپ‌گرا همچون لیبی، الجزایر، یمن، سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف) و... بود که جمهوری اسلامی ایران تلاش می‌کرد از آنها حمایت کرده و مواضعی همدلانه در قبال آنها داشته باشد. اما محور مقاومت محوری است که جمهوری اسلامی ایران خلاق و مبتکر آن بوده است و بالتبع مدیریت راهبردی و حمایت آن را بر عهده دارد. لذا ثقل محور مقاومت فقط غصب سرزمین فلسطین و اشغال‌گری نبوده است بلکه ترجمان این مهم است که رژیم صهیونیستی به نیابت از قدرت‌های بزرگ فرامنطقه‌ای، در تنظیم معادلات منطقه‌ای عمل می‌کند. فراتر از آن محور مقاومت مختصات دیگری نیز دارد که اهم آن مقابله با جریان سازش عربی و رژیمی است که به هیچ یک از قوانین بین‌المللی پایبندی ندارد.

مرحله محورسازی بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۳ فعال شده است. طی این مرحله، ایران محوری موسوم به محور مقاومت شامل ایران، سوریه، حزب الله و مقاومت فلسطین تأسیس نمود تا با رژیم صهیونیستی به صورت سازماندهی شده مقابله کند. این مرحله برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مرحله مؤثری به شمار می‌رود، چرا که جنوب لبنان آزاد شد و جنگ‌های ۳۳ روزه حزب الله لبنان با رژیم صهیونیستی، ۲۲ روزه حماس با رژیم صهیونیستی و... با پیروزی‌های مقاومت همراه بود. در این رابطه رهبری انقلاب متذکر می‌شوند: «صریح می‌گوییم. ما در قضایای ضدیت با اسرائیل دخالت کردیم؛ نتیجه‌اش هم پیروزی جنگ سی و سه روزه و پیروزی جنگ بیست و دو روزه بود. بعد از این هم هر جا هر ملتی، هر گروهی با رژیم صهیونیستی مبارزه کند، مقابله کند، ما پشت سرش هستیم و کمکش می‌کنیم و هیچ ابائی هم از گفتن این حرف نداریم. این حقیقت و واقعیت است (۱۳۹۰/۱۱/۱۴) khamenei.ir/speech».

به دنبال وقوع موج جدید بیداری اسلامی در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا از سال ۲۰۱۱، ابتدا تصور می‌شد جبهه مقاومت اسلامی با بهره‌گیری گفتمان نفی موجودیت رژیم صهیونیستی

نقش پر رنگ‌تری را در تحولات منطقه بر عهده می‌گیرد. اما عملاً چنین اتفاقی نیفتاد و پس از تشدید بحران سوریه، جمهوری اسلامی ایران تلاش نموده است تا محور مقاومت اسلامی را حفظ و سوریه را از این بحران نجات دهد. بر این اساس مرحلهٔ محورسازی واجد تحولات زیربنایی شده، به گونه‌ای که امکانات مادی و معنوی فراوان این محور دستخوش جنگ‌های داخلی، طائفی، فرقه‌ای و مذهبی شده و رژیم صهیونیستی بزرگترین بهره‌بردار آن محسوب می‌شود. جلوهٔ بارز آن شکل‌گیری محور شیعی در تقابل با محور سنی است. بسیاری از تحلیلگران غربی و عربی معتقدند دلیل حمایت ایران از فلسطین، که دارای اکثریت قریب به اتفاق اهل سنت است، این است که فضایی را برای بیداری تشیع در منطقه ایجاد کند تا جمعیت پراکنده و متعددی که طی چندین دهه هیچ‌گونه کنش‌گری فعالی نداشته‌اند بتوانند در این عرصه وارد شوند.

همچنین در چهارچوب محور مقاومت، نوع مواجهه با رژیم صهیونیستی مبتنی بر نبرد نامتقارن است. قبل از تشکیل محور مقاومت، جنگ‌های اعراب و رژیم صهیونیستی مبتنی بر نبرد ارتش‌های کلاسیک بود که البته ارتش‌های کلاسیک عربی در هیچ یک از جنگ‌ها در مقابل رژیم صهیونیستی به پیروزی و کامیابی دست نیافتند. پس از اینکه ناکارآمدی ارتش‌های کلاسیک مبرهن شد، تشکیل محور مقاومت جهت‌گیری نبرد را به نبرد نامتقارن سوق داد که در آن گروه‌های مقاومت حضور مؤثری داشتند. نمونه این نبردها، جنگ‌های ۳۳ روزه حزب الله لبنان و ۲۲ روزه حماس با رژیم صهیونیستی بود که آثار سیاسی، نظامی فوق العاده‌ای در معادلات منطقه‌ای برجای گذاشت. از سوی دیگر نبردهای محور مقاومت، برخلاف ایدئولوژی‌های سابق جنگ‌های اعراب و اسرائیل که بر ناسیونالیسم عربی متمرکز بود، با گرایش اسلامی و حضور مردم مسلمان همراه بود و بن‌مایه‌های ایدئولوژیکی و اسلامی داشت. اما کلیهٔ آن شرایط در سایه تحولات جدید منطقه دستخوش تغییر شده که مستلزم خلق ابتکار، ابداعات و راهکارهای دیگری است که از ظرفیت این مقاله خارج است.

با این وصف جمهوری اسلامی ایران علاوه بر مقابله با رژیم صهیونیستی در حوزه سخت افزاری، در عرصه نرم‌افزاری نیز به تقابل با این رژیم پرداخته است. نمونه آن، تعریف سرزمین

فلسطین بر پایه «من النهر إلى البحر» و تشکیل کشور فلسطین بر اساس همه پرسی و هر فلسطینی یک رأی منهای دخالت قدرت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی است.

از این رو، نوع نگاه جمهوری اسلامی ایران به رژیم صهیونیستی، فقط بر اساس نفی مشروعیت این رژیم نیست بلکه نفی موجودیت آن غلبه دارد، زیرا مشروعیت این رژیم را می‌توان به دلایلی همچون تغییر سیاست‌های این رژیم در قبال منطقه، فلسطینیان و همسایگان و عدم بحران‌سازی و توسعه‌طلبی پذیرفت و مورد شناسایی قرار داد. اما جمهوری اسلامی ایران نافی یک نظام و رژیمی با این سبک و سیاق است. لذا علی‌القاعده نمی‌توان هیچ گونه راه حل آشتی‌جویانه را میان طرفین متصور بود. برخلاف کشورهایمانند ترکیه که در مناسبات خود با رژیم صهیونیستی بدین گونه عمل می‌کنند یعنی هر گاه رژیم صهیونیستی سیاست‌های خود را تغییر دهد، روابط ترکیه با رژیم صهیونیستی نیز تغییراتی را به خود می‌بیند و در غیر این صورت روابط به صورت عادی ادامه می‌یابد. از این رو جمهوری اسلامی ایران مانند ترکیه، روابط خود با رژیم‌هایی مثل رژیم صهیونیستی را از جنس منافع و مصالح تعریف نمی‌کند که در سایه تغییرات سیاسی و تغییر مواضع منطقه‌ای و جهانی، سیاست‌های خود را تنظیم و تعدیل نماید. بلکه جنس سیاست جمهوری اسلامی ایران در قبال رژیم صهیونیستی نفی موجودیت آن در منطقه و سرزمین‌های اشغالی است و این سیاست با توجه به ماهیت انقلاب اسلامی که در این مقاله مورد واکاوی قرار گرفت، هیچ‌گاه تغییر نخواهد کرد و راهی به مصالحه و آشتی نمی‌جوید.

۵- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری:

نگاه جمهوری اسلامی ایران به رژیم صهیونیستی طی چهار دهه گذشته بر این مبنا استوار بوده که این رژیم از اساس فاقد مشروعیت و هویت تاریخی است و اشغال سرزمین فلسطین توسط غاصبان اسرائیلی هیچ‌گونه توجیه حقوقی، تاریخی، فرهنگی و تمدنی نداشته و دخالت و نفوذ قدرت‌های استعمارگر و فرامنطقه‌ای این رژیم جعلی را پدید آورده است. در این برهه زمانی به واسطه شرایط فعلی منطقه غرب آسیا و همکاری برخی کشورهای عربی با رژیم صهیونیستی و با گسترش ایران

هراسی و شیعه هراسی، در برخی محافل تحلیلی به این مسأله اشاره می‌شود که جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با توطئه‌ها و تهدیدات علیه امنیت ملی خود، می‌تواند با اتخاذ راهبردی جدید، سطح تنش با رژیم صهیونیستی را پایین آورده و در سیاست ضدیت با این رژیم انعطاف نشان دهد. این مقاله با اشاره به مستندات تاریخی، ژئوپلیتیکی، هویتی و ایدئولوژیکی، ضمن رد امکان هرگونه سازش میان جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی به این نکته مهم می‌پردازد که سیاست نفی مشروعیت رژیم صهیونیستی هم برآمده از ارزش‌های انقلاب اسلامی است که از نخستین روز پس از پیروزی انقلاب به بارنشسته است و هم مؤید این نکته است که افزون بر اشغال‌گری، نژادپرستی، غصب سرزمین، زیاده‌خواهی، بحران‌سازی، توسعه طلبی و غیره، از حیث راهبردی، تا زمانی که این رژیم وجود دارد، منطقه غرب آسیا هیچ‌گاه به صلح، ثبات، امنیت و آرامش نخواهد رسید. در واقع رژیم صهیونیستی محل نظم امنیتی منطقه است و به نیابت از قدرت‌های فرا منطقه‌ای عمل می‌کند. زیرا هیچ‌گونه پایگاهی در جهان اسلام نداشته و منفور قاطبه مسلمانان است. از این رو، جمهوری اسلامی ایران به صورت سازمان یافته و معطوف به هدف در سه مؤلفه «گفتمان‌سازی، بستر‌سازی و محور‌سازی»، مبارزه علیه رژیم صهیونیستی را در رأس اصول سیاست خارجی خود قرار داده است و در این راستا با صرف هزینه‌های مادی و معنوی، موفق به زنده نگه داشتن آرمان‌های مردم فلسطین و مقاومت علیه اشغال‌گری، تبعیض نژادی و نسل‌کشی شده و همچنین ضربات جبران‌ناپذیری را به اعتبار و اقتدار ساختگی و جعلی آن رژیم وارد ساخته است. تحمیل نبردهای نامتقارن، تعمیق دکترین عمق استراتژیک، طرح رفراندوم آزادی فلسطین و کمک به حفظ روحیه جهادی در مقابل اشغال‌گری، جملگی جلوه‌های معینی از مؤلفه‌های فوق‌الذکر هستند. بنابراین، مقابله جمهوری اسلامی ایران با رژیم صهیونیستی، مقابله از جنس سیاست، مانند آن‌چه که در مورد مناسبات ترکیه با آن رژیم وجود دارد، نیست که با تغییر سیاست‌های رژیم صهیونیستی یا فراز و فرودهای سیاسی تغییر ماهیت دهد. بلکه مواجهه از جنس مشروعیت است که به باور جمهوری اسلامی ایران، رژیم صهیونیستی هیچ‌گاه واجد آن (مشروعیت) نخواهد شد.

منابع:

- آجورلو، حسین؛ ایران و مسئله رژیم صهیونیستی (۱۳۸۸) تهران، معاونت پژوهش‌های دانشگاه آزاد اسلامی.
- امام خمینی (ره)، صحیفه نور، {AA8F697-B735-4E07-A8DE-5C417656F7036} www.irpdf.com
- بی‌نام (۳۱/۱۳)، استراتژی صهیونیسم در منطقه عربی و کشورهای هم‌جوار آن، (سلسله آثار مستند ۱)، تحقیق‌های از: مؤسسه‌های لاریض ویژه مطالعات فلسطینی، تهران، انتشارات بین‌المللی اسلام.
- پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای <http://farsi.khamenei.ir>^۱
- حبیبی یوسفی، امیرمحمد (۱۳۸۲)، ایران و رژیم صهیونیستی از همکلی تا منازعه، تهران، نشر دانشگاه امام صادق (ع).
- روزنامه جمهوری اسلامی ایران، یازدهم بهمن ماه ۱۳۷۸.
- "سوی که تل‌آویو از نآط‌های منطقه‌ای بزرگ" <http://www.iridiplomacy.ir>؛ ۱۳۹۱۸/۴
- عزت‌سوی، عزت. (۲۰/۱۹۹۷۸)، «لایرانیه - اشهاد الحرب العراقیه». الالهرام.
- عبدالمجید تراب زمو (۸/۱۳۳)، جنگ ایران و عراق؛ ترجمه مزگان نژند؛ تهران: سفیر.
- "قطع رابطه ایران با رژیم صهیونیستی" ۱۳۰ ۸ ۱۳۸ <http://www.aftabir.com>
- مقی، ابراهیم؛ (بهلا ۱۳۳)، تحلیل رفتار سیلی در برابر جمهوری اسلامی ایران، مجله سیاست‌دفعی، شماره ۱۸۵.
- مهرلی رزوه، (۱۳۳)، "ایران و رژیم صهیونیستی"، پژوهشکده باقرالعلوم (ع) <http://www.pajooh.com>
- مطهرنیا، (۲۴ ۸ ۱۳۳)، "بررسی آینده اسراییل؛ از سوط‌های نیل تا فرات تا سقوط در ورطه افول" <http://irtt.ir/2016/02/23>,
- "مروی بر شکل‌گیری و پیرو‌های جنبش مقاومت اسلامی"، خیرگزارای صدا و سیما، www.iribnews.ir/fa/1251014
- Military history: Iran - Iraq war (1980.1988), www.cfcsc.dnd.ca/links/milh:st/irir.html.
- Time Series-DataBank". Israel Central Bureau of Statistics. Retrieved 20-02-2009.
- <http://www.asriran.com/fa/news/196275/>
- <http://www.irdc.ir/fa/content/945/default.aspx>
- <https://www.thenation.com/article/what-about-israels-nuclear-bomb/March 12.2015>